



Analysis of the Position of Moral Damages in the Bill to Promote Women's Security Against Abuse

Elham Najafi*¹

DOI:

10.30497/flj.2024.246282.2020



Abstract

The bill "Preventing women's injuries and improving their security against abuse" which was previously referred to the Social Commission of the Islamic Council under the title of "Ensuring women's security against violence" bill; It was approved in the 20th meeting of April 1402. Undoubtedly, this bill is a positive approach towards the realization of the violated rights of women, because by revising the original version and modifying the word violence to "mistreatment", it caused spiritual damages to be taken into consideration in addition to physical damages. However, since "abuse" is a vague and floating term, not only is it not defined precisely in the bill, but also some examples of abuse, which refer to women's moral rights, have not been identified and criminalized, and this has caused preventive and protective measures. The subject of this bill does not include all traumatic situations. With this article, we are trying to identify new forms of misbehavior and evaluate the protective and preventive role that is neglected in this bill according to experts. In this article, which is written in descriptive and analytical method, new examples of misbehavior based on moral damages have been identified and the support methods specified in the bill have been criticized. However, since "abuse" is a vague and floating term, not only is it not defined precisely in the bill, but also some examples of abuse, which refer to women's moral rights, have not been identified and criminalized, and this has caused preventive and protective measures. The subject of this bill does not include all traumatic situations. With this article, we are trying to identify new forms of misbehavior and evaluate the protective and preventive role that is neglected in this bill according to experts. In this article, which is written in descriptive and analytical method, new examples of misbehavior based on moral damages have been identified and the support methods specified in the bill have been criticized.

Keywords: misbehavior against women, moral damage, moral rights, protective measures, compensatory measures.

1. PhD candidate in family law and researcher at the Women and Family Studies Research Institute of the University of Religions and Religions, Qom, Iran.

e_najafi110@yahoo.com

تحلیل جایگاه خسارات معنوی در لایحه ارتقای امنیت زنان در برابر سوءرفتار

الهام نجفی^۱

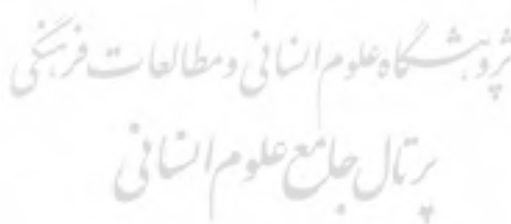
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۳

Dor: 10.30497/flj.2024.246282.2020

چکیده

بی‌شک لایحه «پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار» رویکردی مثبت در جهت احقاق حقوق تضییع‌شده بانوان است؛ چراکه با بازنگری در نسخه اولیه و اصلاح واژه خشونت به «سوءرفتار»، علاوه بر زیان‌های جسمی، به خسارات و زیان‌های معنوی هم توجه شده است؛ اما ابهام واژه «سوءرفتار» در این لایحه و عدم ارائه تعریف دقیق از آن موجب شده، برخی از مصادیق سوءرفتار که ناظر به حقوق معنوی بانوان است، شناسایی و جرم‌انگاری نشود و همین امر سبب شده است تا اقدامات پیشگیرانه و حمایتی موضوع این لایحه همه موقعیت‌های آسیب‌زا را دربر نگیرد. از این رو در این مقاله آشکال جدید سوءرفتار شناسایی شده، و نقش حمایتی و پیشگیرانه که در این لایحه مغفول مانده، ارزیابی شده است. طبق یافته‌های پژوهش برخی از تدابیر پیشگیرانه در خصوص خسارات معنوی وارد شده، نیاز به بازنگری مقنن و تقویت بیشتر دارد تا جنبه بازدارندگی افزایش یابد. علاوه بر این لازم است برخی دیگر از زیان‌هایی که حقوق معنوی بانوان را نشانه می‌رود، جرم‌انگاری و حمایت شوند.

کلیدواژه‌ها: اقدامات جبرانی، تدابیر حمایتی، حقوق معنوی، خسارت معنوی، سوءرفتار علیه زنان.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانش‌آموخته دکتری حقوق خانواده و پژوهشگر پژوهشکده مطالعات زن و خانواده دانشگاه ادیان و مذاهب. قم.

مقدمه

از آنجاکه مسائل پیرامون زنان از مسائل حساس جامعه محسوب می‌شود، طرح و ایده قانونی درباره جلوگیری از خشونت به زنان مطرح شد؛ چراکه عدم کفایت قوانین حقوقی با رویکرد حمایت از بانوان و نقص و ابهام در تدوین عبارات قانونی ایجاب می‌کرد که با تجدیدنظر در قوانین سابق لایحه‌ای متناسب با مقتضیات زمان و تحولات و رخداد‌های جامعه کنونی تدوین شود؛ از این رو لایحه یک فوریتی «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» (به شماره ثبت ۴۷۱) و «طرح صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت» (به شماره ثبت ۳۱۱) که به کمیسیون اجتماعی مجلس، به‌عنوان کمیسیون اصلی، ارجاع شده بود، در جلسات متعدد با حضور مسئولان دستگاه‌های ذی‌ربط و کارشناسان مرکز پژوهش‌ها و دیوان محاسبات کشور بحث و بررسی شد و به استناد تبصره ۱ ماده ۱۴۳ قانون آیین‌نامه داخلی به دلیل تشابه موضوع، ادغام شد و نهایتاً در جلسه مورخ ۲۰/۱/۱۴۰۲ این لایحه با اصلاحاتی در عنوان و متن با نام «پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار» به تصویب رسید.

بی‌تردید نسخه نهایی لایحه گامی مثبت در جهت احقاق حقوق تزییع شده بانوان است؛ چراکه با بازنگری در نسخه اولیه و اصلاح واژه خشونت به «سوءرفتار»، موجب شد علاوه بر زیان‌های جسمی، به خسارات و زیان‌های معنوی هم توجه شود؛ علاوه بر اینکه در نسخه اخیر لایحه ارتقای امنیت زنان، واژه «تأمین امنیت» نیز وارد لایحه شد. در نسخه نهایی این لایحه، ضمن توجه به حقوق مادی و جسمانی، تا حدی به حقوق معنوی بانوان نیز اشاره شده؛ اما تعریف دقیقی از واژه «سوءرفتار» صورت نگرفته، و برخی از مصادیق ناظر به حقوق معنوی بانوان نیز شناسایی نشده، و همین امر سبب شده است تا اقدامات پیشگیرانه و حمایتی موضوع این لایحه همه موقعیت‌های آسیب‌زا را دربر نگیرد؛ از این رو بحث و پژوهش مستقل پیرامون آن ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا جبران خسارت معنوی به مرور زمان در حقوق موضوعه (اداره کل آموزش دادگستری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۳، ص ۲۹۱) پذیرفته شده است و می‌توان در فقه شیعه برای آن جایگاه‌های متعددی یافت (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۷۰).

پیشینه پژوهش

به لحاظ پیشینه درخصوص نسخ سابق لایحه^۱ اندک مقالاتی به نگارش درآمده‌اند؛ از جمله:

۱. مقاله «بررسی روح حاکم بر لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت»، نوشته محمدزاده، بکشلو، و عیسی‌زاده (۱۴۰۰ ش). نویسندگان مقاله با واکاوی مفاد لایحه بر این باورند که ادبیات آن سنخیتی با مبانی دینی و الزامات فرهنگ ایرانی - اسلامی جامعه ما ندارد و با رویکرد جانبدارانه جنسیت‌گرایی نگاشته شده است.

۲. مقاله «نقد و بررسی لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت، از منظر اصول و قواعد قانونگذاری» نوشته محمدزاده، حاجی‌علی‌خمسه، و عیسی‌زاده (۱۴۰۱ ش). نویسندگان این مقاله نقد لایحه مزبور را از منظر اصول و قواعد قانون‌گذاری، رسالت اصلی خود دانسته، و آن را از حیث التزام به اصول قانون‌نویسی و اصول تنقیحی نقد کرده‌اند.

۳. میلانی (۱۴۰۰ ش) در مقاله «چالش‌های کیفری لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت» به لحاظ کیفری به دنبال ارزیابی این مسئله بود که مطابق لایحه تا چه حد خشونت جسمی علیه زنان جرم‌انگاری شده است.

۴. سیفی، نامدار، و گلدوزیان (۱۴۰۰ ش) در مقاله «بررسی تأثیر لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت زنان، در کاهش خشونت‌های اجتماعی و خانواده»، میزان تأثیر این لایحه را در کاهش هر نوع خشونت در حوزه خانواده و جامعه بررسی کرده‌اند.

وجه تمایز پژوهش‌های پیشین با مقاله پیش‌رو این است که پژوهش‌های سابق ناظر به متون سابق لایحه به نگارش درآمده‌اند؛ اما پژوهش پیش‌رو درخصوص نسخه اخیر لایحه (پنجاه و یک ماده‌ای) است و به‌طور مستقل به خساراتی که ناظر به حقوق معنوی بانوان است، پرداخته، و به‌طور خاص نقش پیشگیرانه و حمایتی مقنن در جبران آسیب‌ها و زیان‌های معنوی را بررسی

۱. لایحه مذکور در دولت دهم پس از شش‌بار ویرایش در آذر سال ۹۱ به پنج فصل و ۸۱ ماده تغییر پیدا کرد؛ اما تغییرات آن همچنان ادامه یافت تا اینکه لایحه مذکور پس از سه‌سال بازنویسی، در دولت یازدهم به پنج فصل و ۷۷ ماده تغییر یافت.

کرده است. بنابراین هدف از نگارش این مقاله نخست شناسایی اشکال جدید سوءرفتار بر پایه خسارات معنوی و ارزیابی طرق جبران و نقش حمایتی و پیشگیرانه‌ای است که در این لایحه از دید متخصصان امر مغفول واقع شده است؛ چراکه لازم است این لایحه اولاً مانع از بروز هرگونه پدیده سوءرفتار علیه زنان شود؛ ثانیاً در صورت وقوع آن، از زنان به‌صورت کارآمد حمایت‌های قضایی و اجتماعی به‌عمل آید. بنابراین چگونگی تبیین خسارات معنوی و ارزیابی طرق حمایتی از حقوق معنوی بانوان در لایحه ارتقای امنیت زنان در برابر سوءرفتار، پرسش اصلی ما در این نگارش است.

۱. ماهیت سوءرفتار در لایحه ارتقای امنیت زنان

۱-۱. مفهوم‌شناسی سوءرفتار در لایحه

واژه «سوءرفتار» در مقایسه با خشونت عام است و توأمان بار مفهومی «ظلم به زن» و «تأمین امنیت» را دربر دارد و درعین حال در ادبیات حقوقی ایران موجود و برای دستگاه‌های اجرایی نیز فهم‌پذیر است؛ اما در علم حقوق اصطلاح‌های زیادی وجود دارد که برای بسیاری از آن‌ها نمی‌توان قلمرو دقیقی ترسیم کرد. یکی از این اصطلاحات «سوءرفتار» است؛ زیرا «سوءرفتار» اصطلاح شایع و درعین حال، لغزنده و شناور و پرابهامی است که تعیین مصادیق و ترسیم دقیق قلمرو آن کار ساده‌ای نیست. در تبصره ۲ ماده ۱ لایحه «هرگونه فعل یا ترک فعل مجرمانه مندرج در این قانون و قوانین مربوطه» سوءرفتار نامیده شده است؛ درحالی‌که شاخص دقیقی در تعریف و مصادیق آن وجود ندارد. بهتر بود مقنن واژه «سوءرفتار» را در قالب تعریف منطقی‌تری بیان می‌کرد تا انواع مصادیق مادی و معنوی آن را در بر می‌گرفت.

۱-۲. عدم‌شناسایی مصادیق سوءرفتار در لایحه

از مهم‌ترین اشکالات ماده یک لایحه یادشده این است که تمام مصادیق خسارت معنوی را دربر نمی‌گیرد؛ چراکه نه تنها برخی از مصادیق سوءرفتار شناسایی نشده، بلکه جرم‌انگاری آن‌ها نیز صورت نگرفته است. البته در بند ۷ ماده ۵ شناسایی اشکال جدید سوءرفتار پیش‌بینی شده است؛ اما با توجه به برداشت‌های متفاوت حقوقدانان از معنای «سوءرفتار» و عدم کفایت دانش حقوقی ارگان‌های متولی اجرای این لایحه، به‌نظر می‌رسد باید انواع سوءرفتار در همین لایحه

نام برده شود. تنها وجه اشتراک در تعیین مصادیق «سوءرفتار» در ماده یک لایحه با «خسارت معنوی» در ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، این عبارت عام و کلی است که: «هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده ...». پس چنان که ملاحظه می‌شود هر دو ماده، نصوص قانون را در شناسایی مصادیق، میزان قرار داده‌اند؛ درحالی که برخی مصادیق از ناحیه مقنن شناسایی نشده‌اند که موجب لطمه به حقوق معنوی بانوان می‌شود.

۲. تحقق خسارت معنوی با وقوع سوءرفتار

در بیان تعریف مختصر و گویا از «خسارت معنوی»، باید گفت اول اینکه موضوع آن شخص (حقیقی یا حقوقی) است؛ و دوم ماهیت آن جنبه مالی ندارد. زیان معنوی سبب رنج اخلاقی و لطمه به حقوق معنوی افراد است؛ مانند نقص بدنی، لطمه به شرافت و شهرت شخصی و خانوادگی، سلب آزادی، تجاوز به اقامتگاه، فاش ساختن اسرار خصوصی، حتی لطمه زدن به احساسات دوستی، خانوادگی، مذهبی و نیز درد و رنجی که در نتیجه «سوءرفتار» عارض می‌شود (بهره‌مند، ۱۳۹۲، ص ۶۸)؛ در نتیجه خسارت معنوی عبارت است از هرگونه ضرر و زیانی که از طریق سوءرفتار به حقی معنوی وارد می‌شود. سوءرفتار هم در حقوق مادی رخ می‌دهد و هم در حقوق معنوی اشخاص؛ اما در این مقاله به‌طورخاص فقط زیان‌های معنوی واردشده به بانوان بررسی می‌شوند.

۲-۱. خسارات معنوی ناشی از سوءرفتار در حریم خانواده

۲-۱-۱. ارزیابی موردی مصادیق سوءرفتار در لایحه

الف - تهدید به ضرر عرضی

در ماده ۴۷ بند ۵ در مواقع وجود ضرر جانی و مالی و عرضی، زوجه اجازه دارد منزل مشترک را ترک کند. خوف ضرر عرضی، زیانی معنوی است که موجب رفع تکلیف سکونت مشترک زن در خانه شوهر است و حق مرد در این زمینه از بین می‌رود (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۲۵۰). وفق این لایحه تهیه محل سکونت جداگانه برای مدت حداکثر سه‌ماه به هزینه زوج صورت می‌گیرد. درحالی که زوجه در این ایام همچنان واجب‌النفقة زوج است و لازم است مادامی که زوجه در خارج از منزل مشترک به سر می‌برد، زوج منزل مشترک را تأمین کند. تهیه مسکن

در کنار خوراک و پوشاک، جزئی از نفقهٔ زوجه است؛ از این رو به نظر می‌رسد تهیهٔ منزل برای زوجه آن هم حداکثر تا سه ماه مبنای شرعی ندارد؛ زیرا تا زمانی که علقهٔ زوجیت وجود دارد، نفقهٔ زوجه از جمله تهیهٔ مسکن برعهدهٔ زوج قرار دارد. بنابراین به نظر می‌رسد باید همچنان تأمین هزینهٔ سکونت جداگانه برعهدهٔ زوج باشد؛ چراکه ترک منزل در این مواقع از سوی زوجه، نه از مصادیق عدم تمکین و نه مسقط حق نفقه است.

ب - تهدید به ضرر جانی

در این لایحه به ضرب و شتم زوجه به طور مستقل اشاره نشده؛ اما در عین حال معطوف به مادهٔ ۴۷ لایحه شده، و از آن به تهدید به ضرر جانی تعبیر شده است. ما در اینجا به دنبال احقاق حقوق مادی و جانی زوجه نیستیم؛ اما لازم است در لایحه به صراحت به این مورد اشاره شود؛ زیرا کتک‌زدن همسر چه موجب صدمات جسمی جزیی شده باشد، چه نشده باشد، در تعارض با حسن معاشرت مادهٔ ۱۱۰۳ قانون مدنی است و به نوعی تعبیر به سوءمعاشرت و سوءرفتار می‌شود، و مصادق صدمات عاطفی و رنجش و ناراحتی و خسارت معنوی زوجه خواهد بود.

ج - تهدید به افشای اسرار

در مادهٔ ۴۷ به «تهدید به افشای سر» نیز اشاره شده است. حریم خلوت، حریم جسمانی، حریم اطلاعات، حریم جنسی، حریم ارتباطات، و حریم شخصیت از جمله مصادیق حریم خصوصی در روابط اعضای خانواده به‌شمار می‌آیند (نقیبی، ۱۳۸۹، ص ۱۴)، و غالباً طرفین به خصوصی‌ترین ویژگی‌ها و رفتار یکدیگر آگاه هستند. چنانچه یکی از زوجین به قصد سوء، به افشای اسرار همسر خویش بین خانواده یا دیگران پردازد و از این بابت موجبات تألم خاطر و خجالت‌زدگی و کسر حیثیت وی شود، به شخصیت و حقوق معنوی او لطمه زده است. از آنجاکه این مورد نیز از مصادیق خسارت معنوی به‌شمار می‌رود، زیان‌دیده می‌تواند به استناد مادهٔ ۶ قانون مسئولیت مدنی از طرف مقابل مطالبهٔ خسارت کند؛ اما وفق مادهٔ ۴۷ لایحه، ضمن اخذ تعهد بر عدم ارتکاب جرم، تا سه‌ماه از ورود زوج به محل کار زن جلوگیری می‌شود و اگر تهدیدکننده همسرش باشد، تا سه‌ماه از ورود او به منزل جلوگیری می‌شود یا نهایتاً از بزه‌دیده یا قربانی حمایت می‌کند؛ اما متهم صرفاً جهت مشاوره و معالجات ضروری به

متخصص معرفی می‌شود که به نظر می‌رسد از لحاظ کیفری هیچ مجازاتی برای او دربر ندارد. در حالی که مطابق ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی، برای تهدید به انجام عملی که ممکن است موجب ضرر آبرویی یا شرافتی یا افشای اسرار خانوادگی شود، تا ۷۴ ضربه شلاق یا تا ۲ سال حبس در نظر گرفته شده است.

د - اخراج زوجه از منزل مشترک

در ماده ۳۳ این لایحه به نوع دیگری از سوء رفتار اشاره شده که موجب هتک حرمت زوجه و کسر حیثیت و آبرو و خسارت معنوی وی می‌شود. زمانی که مردی همسرش را از خانه اخراج کند یا مانع ورود همسرش به منزل شود، مجرم است و به حبس یا جزای نقدی درجه هفت محکوم می‌شود؛ اما یک ضمانت اجرای حقوقی نیز دربر دارد که در لایحه بدان اشاره نشده است؛ از آن جهت که اخراج زن از منزل، حق مسکن زن را به عنوان یکی از ملزومات پرداخت نفقه، خدشه دار کرده است؛ از این رو عنصر قانونی جرم ترک انفاق مطابق ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده جرم‌انگاری شده است: «اگر شخصی با داشتن توانایی مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین به او نپردازد یا از پرداخت نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه خودداری کند، به حبس تعزیری درجه ۶ یعنی از ۶ ماه الی ۲ سال حبس محکوم خواهد شد».

ه - اکراه به ازدواج یا اجبار به طلاق

ماده ۳۴ این لایحه تأکید دارد اکراه به ازدواج یا اجبار به درخواست طلاق، محکومیت به حبس یا جزای نقدی درجه شش را به دنبال دارد. زوج نیز در صورت علم به وضعیت ازدواج یا عقد مزبور، مشمول مجازات پیش‌گفته می‌شود. اکراه در نکاح و اجبار به طلاق که با اعمال فشار مادی یا معنوی همراه است، یکی دیگر از مصادیق سوء رفتار است که موجب سلب حقوق معنوی زوجه و وارد آمدن خسارت معنوی به وی می‌شود. مجرم شناخته شدن اکراه‌کننده یکی از نقاط قوت لایحه مذکور است که مقنن به آن وصف کیفری داده است.

و - اکراه به سقط

در ماده ۳۷ این لایحه، تشویق، ترغیب، تحریک، تطمیع یا اکراه به سقط جنین موجب محکومیت به حبس یا مجازات درجه شش می‌شود. فریب یا اکراه به سقط نیز به نوعی موجب

خسارت معنوی می‌شود؛ زیرا سقط جنین برای مادران، عوارض روحی و روانی حاد به دنبال دارد و می‌تواند با احساس گناه و سرزنش نیز همراه باشد (لانتسل، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷) که موجب خسارات معنوی برای مادر است. علاوه بر اینکه مطابق ماده ۶۲۲ قانون مجازات، هر شخص غیرمتخصص به وسیله ضرب و جرح و آزار و اذیت زن باردار موجب سقط جنین وی شود، مجازات سقط برای مرتکب علاوه بر دیه یا قصاص، شامل یک تا سه سال حبس است. وفق لایحه نیز محکومیت به حبس یا مجازات درجه شش، مجازات کسی است که تشویق، ترغیب، تطمیع یا اکراه به سقط جنین کند؛ از این رو مقنن در این لایحه ترغیب یا اکراه به سقط را نیز علاوه بر فعل سقط جنین جرم‌انگاری کرده است.

ز - اکراه به فرار از منزل

وفق ماده ۳۵، تطمیع، تحریک، اکراه، و تهدید قربانی به فرار از محل سکونت یکی از مصادیق سوءرفتار است که حبس یا جزای نقدی درجه شش در پی دارد. این عمل به دلیل عواقب ناگواری که برای فرارکننده به لحاظ معنوی ایجاد می‌کند، فریب قربانی در صورتی که موجب فرار وی از منزل شود، در بعضی از کشورها جرم تلقی می‌شود؛ ولی تا پیش از تدوین این لایحه در کشور ما درباره فرار از منزل، حکم مشخصی در قوانین نافذ بیان نشده بود و جرم‌انگاری این فعل، اقدامی مثبت در این لایحه خواهد بود.

ح - خون‌بس یا ازدواج اجباری

یکی از مصادیق و نمونه‌های سوءرفتار نسبت به زنان که در لایحه نیز جرم‌انگاری شده، و ممکن است از جنس عمومی نباشد، سنت‌های غلطی مثل خون‌بس و ازدواج اجباری هستند که منحصر به نقاط خاصی از کشورند و موجب زیان معنوی دختری می‌شوند که قربانی خطای مردان طایفه شده است؛ چون دختری که به «خون‌بس» داده می‌شود، تحت هیچ شرایطی حق طلاق ندارد. مطابق بند ۲۴ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان از جمله حقوق مسلم دختران آن است که خود همسر خویش را انتخاب کنند و به ازدواج با مردی مجبور نشوند؛ زیرا سبب خواهد شد در صحت تشکیل این نهاد حقوقی تردید ایجاد شود (آیت‌اللهی، ۱۳۹۱، ص ۶۵).

همچنین به تصریح ماده ۱۰۷۰ قانون مدنی ایران زن و مرد حق انتخاب دارند^۱ که این حق در دین اسلام و فقه شیعه نیز محفوظ است؛ زیرا رضایت زوجین شرط نفوذ عقد است. در قوانین سابق حق انتخاب در ازدواج به رسمیت شناخته شده بود؛ اما از ضمانت اجرا برخوردار نبود؛ از این رو از اقدامات سودمند این لایحه، جرم‌انگاری و محکومیت به حبس یا جزای نقدی درجه شش جهت مجازات کسی است که بدون اطلاع زن، او را به عقد دیگری درآورد.

۲-۱-۲. ارزیابی خلأهای لایحه با رویکرد خسارات معنوی

الف - خیانت

خیانت به همسر یکی از مصادیق سوءرفتار است که در لایحه ذکر نشده است. خیانت کردن یعنی زیرپا گذاشتن تعهدی که بین زن و شوهر بسته شده است و ایجاد رابطه‌ای جدید با نفر سوم، که اگر این خطا از طرف زوج اتفاق افتد، علاوه بر اینکه می‌تواند آثار حقوقی و کیفری را به دنبال داشته باشد، موجب بروز صدمات روحی و عاطفی و خسارت معنوی زوجه خواهد شد. همچنین وفق صورت جلسه نشست قضائی، امکان طرح شکایت در خصوص ارتکاب جرم منافی عفت از طرف همسر چه در زمان زوجیت و چه پس از طلاق وجود دارد (کد نشست ۶۰۷۵-۱۳۹۸، مورخ ۱۳۹۵/۶/۲).

ب - تهمت و افترا

تهمت یکی دیگر از مصادیق سوءرفتار است. اگر مردی فقط به زنی یا به همسر خود اتهام خیانت بزند و نتواند آن را در دادگاه ثابت کند، زن می‌تواند علیه آن مرد اعاده حیثیت کند. این امر شامل جبران تمام خسارات وارد شده به زن و زیان‌های مادی و معنوی او است و آن در صورتی است که موضوع مورد افترا از موارد ثبوت حد باشد؛ مانند نسبت زنا که از آن به قذف تعبیر می‌شود و حد آن هشتاد تازیانه است (خمینی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۵۰۸)، و گاهی اوقات به جزای نقدی بدل می‌شود. کما اینکه شعبه ۱۸۱ دادگاه کیفری ۲ تهران نیز طی دادنامه‌ای در اردیبهشت ۱۳۹۲، مردی که نسبت باکره نبودن به همسرش داده بود، به پرداخت مبلغ سیصد هزار

۱. ماده ۱۰۷۰ قانون مدنی: «رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و هر گاه مکره بعد از زوال کُره عقد را اجازه کند نافذ است مگر اینکه اکراه به درجه‌ای بوده که عاقد فاقد قصد باشد».

ریال بابت ضرروزیان معنوی در وجه وی محکوم کرد (اصغری آقمشیدی، ۱۳۸۲، ص ۳۹).

ج - حبس خانگی زوجه

منع رفت و آمد زوجه از مصادیق سوءرفتار است و می‌تواند در درجه حقیقی مثل منع زوجه از دیدار والدینش یا منع از اشتغال زوجه و منع از انجام تکالیف اجتماعی باشد (نقیبی، ۱۳۸۶، ص ۶۵). حبس زوجه و سلب آزادی وی، می‌تواند مصداق خسارت معنوی زوجه باشد و اقدام به آن از سوی مرد لطمه به آزادی‌های فردی زن و زمینه‌ساز ایجاد بیماری‌های روحی و روانی او است. به اعتقاد برخی از فقیهان معاصر، وجود حق منع خروج زن از منزل به‌طورمطلق برای شوهر با قاعده امساک به معروف و معاشرت نیکو با زن مغایرت دارد (فضل‌الله، ۱۳۸۳، ص ۹۲). وفق ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی، مجازات حبس بدون مجوز قانونی، یک‌سال حبس تعزیری یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال است. در این صورت زوجه می‌تواند طبق ماده ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی چنانچه در اثر ارتکاب چنین اعمالی خسارتی اعم از مادی یا معنوی یا جسمی به وی وارد شود، جبران آن را از دادگاه بخواهد.

د - منع اشتغال زوجه

به لحاظ فقهی عده‌ای از فقها قائل‌اند خروج زن از منزل بدون اذن شوهر جایز نیست (خمینی، ۱۳۹۹، ص ۲۸۸-۲۸۹؛ خوئی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۱). درمقابل، برخی دیگر از فقها معتقدند مانعی نیست زن بدون اذن شوهر از منزل بیرون رود؛ به شرط آنکه حق شوهر در روابط جنسی ضایع نشود (فضل‌الله، ۱۳۸۳، ص ۶۵)؛ اما مرد از نظر قانونی، نمی‌تواند بدون حکم دادگاه مانع اشتغال همسرش شود؛ زیرا مطابق قانون اساسی اشتغال، از حقوق مادی و معنوی زنان است.^۱ همچنین ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی تلویحاً به حق اشتغال بانوان اشاره دارد^۲ و نظربه صورت جلسه

۱. مطابق اصل ۲۸: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند...». این اصل با تعبیر «هر کس» به حکمی عام اشاره می‌کند و شامل زن و مرد می‌شود. همچنین اصل ۲۱، تصریح می‌کند: «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید...». تعبیر «حقوق زن در تمام جهات» عام است و یکی از مصادیق آن حق اشتغال است.

۲. «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند».

نشست قضایی (صورت جلسه نشست قضایی برگزار شده در استان قم، تاریخ برگزاری ۱۳۸۸/۲/۲۵) اعمال چنین حقوقی ملازم با مقدمات آن است و شوهر نمی‌تواند از مقدمات اعمال این حق از جمله خروج از منزل، ممانعت به عمل آورد. با این تفاسیر زوج حق ایجاد ممانعت ندارد؛ چراکه مخالفت با اشتغال زوجه بدون دلیل، مصداقی از سوءرفتار است که موجب سلب حقوق معنوی‌ای می‌شود که مطابق فقه و قانون به زن داده شده است.

هـ - منع از تحصیل زوجه

بدیهی است چنانچه اشتغال زوجه به تحصیل، مغایر تکلیف وی به تمکین از زوج باشد، زوج می‌تواند با اقامه دعوی الزام به تمکین، نشوز زوجه را اثبات کند (نظریه شماره ۷/۹۴/۹۰۵- مورخ ۱۳۹۴/۴/۱۰)؛ اما اگر خروج زوجه از منزل و ادامه تحصیل وی منافی تمکین نباشد، مسقط حق نفقه نخواهد بود. همچنین وفق نظریه مشورتی اداره حقوق قوه قضائیه (نظریه شماره ۷/۹۴/۹۰۵، مورخ ۱۳۹۴/۴/۱۰) تحصیل، از حقوق مدنی آحاد جامعه است و منع افراد از استیفای این حق، نیازمند وجود قانون است که در این خصوص مقرره‌ای وجود ندارد و اشتغال به تحصیل از عناوین اشتغال به حرفه و صنعت موضوع ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی خارج است؛ مگر آنکه تحصیل زوجه از اساس در رشته‌هایی با منع شرعی یا اجتماعی یا عملی مواجه باشد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوبه شماره ۲۲۱۴، مورخ ۱۳۶۹/۷/۲۲). همچنین مطابق اصل ۲۱ قانون اساسی دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات تضمین کند و زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او را ایجاد کند؛ از این رو منع از تحصیل یکی از مصادیق سوءرفتار و سلب حقوق معنوی بانوان است که در لایحه باید بدان اشاره می‌شد.

و - ترک مواقعه

درواقع این دوری در بستر از همسر در موارد نافرمانی زوجه مجاز شمرده شده است نه در حد ترک مواقعه؛ زیرا خود این رفتار مستوجب خسارت معنوی است که مورد نفی شارع است (شیرازی زنجانی، بی تا، ص ۷۷۰۸). البته می‌توان دوری در بستر را فقط مصداقی در مقابله با نشوز زن در نظر گرفت (علاءالدین، ۱۳۸۸، ص ۲۹)؛ در غیر این صورت از مصادیق سوءرفتار محسوب

می‌شود. علاوه بر این مطابق صورت جلسه نشست قضایی اگر نحوه ارتباط زناشویی به گونه‌ای باشد که وضعیت مشقت بار و غیر معقولی را ایجاد کند، ادامه زندگی مشترک و تحمل آن مشکل است و می‌تواند از مصادیق خسارات معنوی زوجه باشد (برگزار شده توسط استان مرکزی/ شهر شازند، مورخ ۱۳۸۹/۸/۳).

ز - ترک بیتوته از جانب زوج

از آنجاکه یکی از اغراض اصلی عقد نکاح تقویت رابطه انس و مودت است؛ باید پس از انعقاد نکاح تفاوتی میان زن بی شوهر و زن شوهردار پدید آید. در اینکه حق قسم مختص زن است قدر متیقن از ادله وارد شده است (حر عاملی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۵، ص ۸۶). دلیل آن هم به آیه هجر (مزل/ ۱۰) برمی‌گردد که در آن به مضاجعت اشاره شده است. بنابه متون فقهی، رعایت این حق که یکی از مصادیق معاشرت به معروف تلقی می‌شود (نساء/ ۱۹)، لازم است. این امر، یکی از حقوق معنوی زنان تلقی می‌شود و عدم رعایت آن موجب خسارات معنوی به زوجه‌ای می‌شود که از ازدواج فقط نامش را یدک می‌کشد و در واقع از حضور همسر در کنار خود محروم می‌ماند (مهدوی کتی، ۱۳۹۲، ص ۲۱)؛ از این رو، ترک قسم یکی از مصادیق سوءرفتار زوج نسبت به زوجه است که در لایحه بدان توجه نشده است.

ح - انواع اعتیاد زوج

هر نوع اعتیاد مضری، مانند اعتیاد به بازی‌های کامپیوتری، شبکه‌های اجتماعی یا اعتیاد زوج به پورنوگرافی، برای زوجه دشواری‌هایی ایجاد می‌کند و باعث کاهش توجه زوج به همسرش و در نتیجه صدمات عاطفی او می‌شود. البته تشخیص مضربودن نوع اعتیاد با محکمه است؛ اما در هر صورت همه این موارد می‌تواند از مصادیق سوءرفتار و خسارت معنوی زوجه‌ای محسوب شود که هدفش از ازدواج، آرامش یافتن در کنار همسرش بوده است. قرآن (روم/ ۲۱) نیز همسر را وسیله آرامش دانسته، و پس از آن، ارتباط زن و مرد را براساس مودت و رحمت طرح کرده است.

۲-۲. خسارات معنوی ناظر به ابعاد اجتماعی

۲-۲-۱. ارزیابی موردی مصادیق سوءرفتار در لایحه با رویکرد خسارات معنوی

الف - ترغیب یا اکراه به مصرف انواع مخدر

طبق ماده ۳۶ لایحه، تشویق، ترغیب، تحریک، تطمیع یا اکراه به استعمال مواد مخدر و

روانگردان موجب محکومیت به حبس یا شلاق درجه شش می‌شود و چنانچه جرم موردنظر واقع شود، هر دو مجازات را در پی دارد. پیش از این نیز بند ب ماده ۷۴۳ قانون مجازات اسلامی کتاب تعزیرات؛ تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت به استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان را جرم‌انگاری کرده بود و مرتکب را به حبس از ۹۱ روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا بیست میلیون ریال یا هردو مجازات محکوم می‌کرد؛ با این تفاوت که وفق این لایحه مجازات این جرم در مقایسه با ماده ۷۶۳ قانون مجازات افزایش یافته است؛ زیرا مجازات درجه شش یعنی حبس بیش از شش ماه تا دو سال و شلاق از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه؛ بنابراین مقنن با توجه به حساسیت بالای این نوع جرائم مجازات مشدد تعیین کرده است.

ب - تهیه رسانه از ارتکاب جرم

مطابق ماده ۴۰ بند ۵ ارتکاب جرم همراه با تهیه عکس یا ضبط فیلم یا صدا نیز جرم‌انگاری شده؛ زیرا یکی از مصادیق سوءرفتار و بروز خسارات معنوی زمانی است که تهیه عکس و فیلم و صوت، موجبات زیان معنوی و تألمات روحی بزه‌دیده را فراهم آورد. پیش‌تر در ماده ۱۷ «قانون جرائم رایانه‌ای»، «ماده ۳۶ منشور حقوق شهروندی» و «قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز دارند»، تصویربرداری مخفیانه و نقض حریم خصوصی جرم‌انگاری شده بود که با اضافه‌شدن این بند به لایحه مذکور تهیه رسانه از ارتکاب جرم نیز برای اشخاص مسئولیت کیفری ایجاد می‌کند.

ج - ارائه خدمات پزشکی با رعایت موازین اسلامی

در ماده ۱۱ بند ۷ به ایجاد محیط اختصاصی جهت ارائه خدمات پزشکی با رعایت شئون اسلامی اشاره شده است؛ در حالی که ایجاب می‌کرد در این لایحه در خصوص سوءرفتار در محیط پزشکی که در تعارض با حقوق معنوی افراد است، تأکید بسیاری صورت گیرد؛ زیرا گاه‌گاه معاینه بیمار زن توسط غیرهمجنس اتفاق می‌افتد یا اینکه با وجود متخصصان زن و کادر پزشکان زن، در محیط ارائه خدمات پزشکی افراد غیرهمجنس تردد می‌کنند یا مشاهده و لمس غیرضروری بیمار زن توسط همجنس صورت می‌گیرد که تمامی این موارد موجب نقض حریم شخصی فرد

خواهد شد. همچنین در ماده ۱۷ بند ۳ به تأمین فضای اختصاصی معاینات برای بانوان اشاره شده، که لازم است همان موارد گفته شده در این خصوص نیز جاری و ساری شود.

د - شناسایی زنان فاقد اسناد سجلی و هویتی

در تبصره ۲ ماده ۶ به شناسایی زنان فاقد اسناد سجلی یا هویتی اشاره شده است تا به نهادهای حمایتی، آموزشی، درمانی یا قضایی معرفی شوند. اسناد سجلی و شناسایی در کشور ما معرف هویت است. فقدان اسناد سجلی و هویتی فرد را با مشکلات بسیاری مواجه می‌کند که خسارات مادی و معنوی را به همراه دارد؛ چراکه مطابق بند ۷ و ۸ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان از حقوق معنوی همه افراد از جمله زنان این است که دارای نام و نام خانوادگی مناسب باشند و نسب و تابعیت آن‌ها نیز مشخص باشد تا هویت معلومی داشته باشند؛ از این رو از نقاط قوت این لایحه این است که فقدان اسناد سجلی و هویتی را جزئی از مصادیق سوءرفتار برشمرده است.

هـ - رعایت اصل محرمانگی

حفظ اطلاعات شخصی افراد و عدم افشای آسیب‌دیدگی آنان از حقوق معنوی مسلم افراد تلقی می‌شود؛ از این رو در ماده ۱۲ بند ۲ به مستندسازی آسیب‌های وارد شده به زنان آسیب‌دیده و ثبت مستندات و اطلاعات آنان با رعایت اصل محرمانگی اشاره شده است. همچنین در ماده ۴۸ تصریح شده است که در پرونده‌های موضوع این قانون، کلیه اطلاعات زنان آسیب‌دیده یا در معرض آسیب محرمانه است و افشای این اطلاعات محکومیت به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای را در برخواهد داشت. از این رو مطابق ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳) و جزای نقدی اصلاحی (۱۴۰۳/۳/۳۰): «... کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، هر گاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند، به سه ماه و یک روز تا یک سال و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی، محکوم می‌شود»؛ از این رو تدوین‌کنندگان لایحه رعایت اصل محرمانگی را جدای از افشای اسرار جرم‌انگاری کرده‌اند.

۲-۲-۲. ارزیابی خلأهای لایحه با رویکرد خسارات معنوی

الف - عدم تعیین مجازات مشدد در خصوص جرائم اسیدپاشی

اسیدپاشی از مصادیق سوءرفتار و از آن دسته جرم‌های خشونت‌آمیز است که بیشتر درباره زنان

صورت می‌گیرد و حمله‌ای است که نه به قصد قتل، بلکه معمولاً به منظور عقده‌گشایی و انتقام و نابودی زندگی اجتماعی و آینده قربانی انجام می‌شود. قانون تشدید مجازات اسیدپاشی مصوب ۱۳۹۸، در مقایسه با قبل، مجازات را تشدید کرده است؛ برای مثال در صورت آسیب بر مجنی علیه در شرایطی که نصف دیه مقرر شود، برای مرتکب مجازات تعزیری درجه ۳ لحاظ شده است؛ یعنی معادل ۱۵-۱۰ سال حبس و جزای نقدی ۲۶ تا ۵۵ میلیون تومان که بازدارندگی چندانی برای مرتکب ایجاد نمی‌کند. جهت اقدامات حمایتی، وفق ماده ۴۵، در صورتی که محکوم علیه قادر به پرداخت دیه زنان بزه‌دیده نباشد، دولت مکلف است پس از صدور حکم اعسار مجرم از سوی مرجع قضایی، آن را از محل صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت کند. همچنین در ماده ۴۱ بند ۳ در تمام جرائم مستلزم پرداخت دیه، در صورتی که مرتکب با تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده، متمکن از پرداخت هزینه درمان نباشد، هزینه از محل صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود. این اقدامات گامی مثبت در جهت حمایت از زنان آسیب‌دیده است؛ اما از آنجاکه این لایحه به دنبال پیشگیری از بروز آسیب‌ها است، لازم است علاوه بر اقدامات حمایتی، اقدامات پیش‌گیرنده را نیز افزایش دهد تا افراد از ابتدا سراغ ارتکاب جرم نروند. این لایحه در جرائمی که موجب خسارت‌های بدنی می‌شود، به‌جای اقدامات پیشگیرانه، اقدام تأمینی و حمایتی را به‌کار گرفته است؛ درحالی‌که مقنن باید با تشدید مجازات در این لایحه، امنیت زنان را در برابر تهدید و وقوع جرم تضمین کند.

ب - فقدان مجازات کافی در خصوص قاچاق زنان و دختران

چند سالی است که قاچاق زنان و دختران ایرانی که شیوه دیگری از تجاوز به حقوق معنوی زنان است با شگردهای گوناگون فریبکاری رخ می‌دهد و این دختران و زنان به‌منظور بهره‌کشی و بردگی جنسی در دام قاچاقچیان گرفتار می‌شوند. در ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲، دائرکردن روسپی‌خانه و نیز واداشتن دیگران به روسپی‌گری جرم‌انگاری شده است؛ اما به معضل قاچاق زنان اشاره نشده است. در بند (ب) ماده ۶۳۹ هرگونه تشویق به فساد یا فحشا یا فراهم کردن موجبات آن را مشمول مجازات می‌سازد. احتمالاً با استفاده از این بند

می‌توان قاچاقچیان را مجازات کرد، قید احتمالاً از این رو است که هنوز مواردی از محاکمه این‌گونه افراد به صورت علنی صورت نگرفته است تا مشخص شود که دادگاه مربوط، جهت مجازات مجرمان به چه مواد قانونی استناد خواهد کرد. این در حالی است که از سال ۱۳۷۹ تاکنون، چندین نمونه از قاچاق زنان رسماً در مطبوعات و رسانه‌ها اعلام شده است (نرگسی، ۱۳۸۲، ص ۴۳). باید در نظر داشت که دیگر انواع قاچاق زنان که با بهره‌کشی، بیگاری، کار اجباری، کار سخت خانگی یا کارهای سنگین و طاقت‌فرسا در کارگاه‌ها، برداشتن اندام‌ها و دیگر اهداف غیراخلاقی، جدای از فساد و فحشا صورت می‌گیرد، با این ماده به‌هیچ‌وجه قابل مجازات نیست (اشتری، ۱۳۸۰، ص ۱۹۶-۲۰۳)؛ فلذا برای جلوگیری از این جرائم و حمایت از قربانیان قاچاق، قانونی وجود ندارد.

ج - لطمه به اعتقادات و ارزش‌های دینی و اخلاقی

جهت حفظ عقاید و باورهای هر شخص، اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌کند که: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد». یکی دیگر از حقوق معنوی زنان مصونیت از تعرض و حفظ امنیت در داشتن اعتقاد و حق معنوی فرد در برخورداری از ایمان و تقوا و حفظ آن و تکامل معنوی در عرصه باورها و رفتارها است که در بند ۳ و ۴ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان^۱ نیز به آن اشاره شده است؛ اما ضمانت اجرایی برای آن وجود ندارد؛ از این رو باید لایحه حقوق معنوی زنان را در جهت حفظ عقاید و ارزش‌های فردی و اخلاقی با تعیین ضمانت اجرای درخور و مناسب تضمین می‌کرد.

۳. دخالت سودمند لایحه در جهت رعایت حقوق معنوی بانوان

۳-۱. اقدامات پیشگیرانه از بروز خسارات معنوی از سوی نهادهای مربوطه

مطابق ماده ۲ لایحه، تدابیر پیشگیرانه مدنظر این قانون عبارت است از: «هرگونه اقدام بازدارنده

۱. منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران: «بند ۳. حق آزادی اندیشه و مصونیت از تعرض و عدم امنیت در داشتن اعتقاد؛ بند ۴. حق و مسئولیت فرد در برخورداری از ایمان، تقوا و حفظ آن و تکامل معنوی در عرصه باورها و رفتارها».

از سوءرفتار از قبیل آموزش و اطلاع‌رسانی، مهارت‌افزایی، ارتقاء آگاهی و رفتار نیروی انسانی نهادها، مناسب‌سازی فضای کالبدی شهری، شناسایی آسیب‌ها و موقعیت‌های آسیب‌زا، مداخله فوری مددکاری و قضایی، درمان اختلالات روانی، توسعه، تقویت و ساماندهی نهادها و پژوهش که در این قانون و قوانین مرتبط مقرر شده و توسط نهادهای مربوطه به منظور جلوگیری از هرگونه آسیب به زنان و دختران اجرا می‌شود». این راهبردهای پیش‌گیرنده به چهارده ارگانی که متولی اجرای این لایحه هستند، واگذار شده است؛ اما به نظر می‌رسد نقش این ارگان‌ها در شناسایی آسیب‌های معنوی بانوان همچنان مبهم است و این امر می‌طلبد که لایحه میزان دخالت هر نهاد یا ارگان متولی را در قبال خسارات معنوی ناشی از سوءرفتار آشکار سازد. همچنین رویکرد پیشگیرانه لایحه در مواجهه با سوءرفتار از نوع آموزش و ارتقاء آگاهی و پژوهش و نهایتاً مداخله مددکاری و درمان اختلالات روانی است. در حالی که به نظر می‌رسد در پیشگیری از زیان‌های معنوی، این امکان وجود داشت که جهت رفع منشأ ضرر معنوی به جنبه‌های مصالحه و میانجی‌گری و نیز ضمانت‌اجراهایی پرداخته شود که به مقتضای عرف هر منطقه برای ممانعت از خسارات معنوی در حوزه اجتماعی اعمال می‌شود؛ زیرا خساراتی از این قبیل که به تناسب عرف در هر منطقه وجود دارد، بسیار است (مراد زاده و رضوی، ۱۳۹۵، ص ۲۵-۲۶).

۲-۳. تدابیر حمایتی در صورت بروز زیان معنوی از سوی حاکمیت

مطابق ماده ۳، تدابیر حمایتی در این قانون عبارت است از: «هرگونه اقدام از سوی حاکمیت در خصوص حمایت از زنان آسیب‌دیده، از قبیل شناسایی زنان و دختران آسیب‌دیده یا در معرض آسیب ... حمایت اقتصادی، حمایت قضایی و کیفری ...». از آنجاکه حاکمیت در تمام امور زندگی افراد جامعه دخالت دارد و جهت‌دهی‌ها و برنامه‌ها توسط دولت برای همه نهادهای اجتماعی صورت می‌گیرد، خانواده نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ از این رو، جهت حمایت از حقوق معنوی زنان آسیب‌دیده لازم است ابتدا آنان شناسایی شوند؛ اما لایحه در خصوص نحوه شناسایی آسیب در بستر خانواده مسکوت است و این مسئله زمانی دشوار می‌شود که سوءرفتار

موجب بروز خسارات معنوی شود. در ماده ۵ لایحه در خصوص اثبات سوءرفتار به آوردن دلایل محکمه‌پسند اشاره شده است؛ اما از آنجاکه برخی از مصادیق سوءرفتار از نظر قضات محاکم خانواده، نوعی بهانه‌جویی کودکانه تلقی می‌شود و اثبات و مسئولیت آوردن دلیل اتفاقاً بر عهده زوجه است، لازم است حضور مشاور قضایی زن در کنار قضات محاکم الزامی و رسمی شود. شایسته است که وقتی در این لایحه به مشاور و مددکار و معاضدت قضایی اشاره می‌شود حضور مشاور قضایی زن را هم در دستور کار قرار دهد؛ زیرا گاهی زوجه در محضر دادگاه مایل به افشای اسرار خصوصی که باعث تألم خاطر وی شده، نیست؛ ضمن اینکه برخی از مسائل و مشکلات با شَمّ زنانه بهتر درک می‌شوند (اسدی و شکری، ۱۳۹۵، ص ۴۳-۴۴)؛ از این رو خوب است همان‌طور که وفق لایحه، مداخله فوری قضایی و ارائه مشاوره و معاضدت‌های حقوقی برای زنان آسیب‌دیده یا در معرض آسیب پیش‌بینی شده است، حضور مشاور قضایی زن در پرونده‌هایی که وصف کیفری دارند و با خشونت خانوادگی همراه هستند نیز رسمیت پیدا کند. اگر قانون برای شناسایی خسارات معنوی زوجه راهکار مناسبی داشته باشد، دیگر اثبات تخلف همسر در دادگاه نیازمند افشای مسائل محرمانه خانواده (از جمله تبیین نارسایی جنسی روانی و اخلاقی شوهر) و پرونده‌سازی برای شوهر نخواهد بود؛ چراکه در عمل زمینه‌سازش بعدی را کاهش می‌دهد و اختلافات خانوادگی را بیشتر می‌کند (کرمی و سجادی امین، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵)؛ از این رو در خصوص شناسایی و جبران خسارات معنوی خانواده بیشتر به راه‌حل‌هایی نیازمندیم که در حریم خصوصی خانه قابل اجرا و مؤثر باشد و نیز اختلالی در روابط زوجین ایجاد نکند (مرادزاده و رضوی، ۱۳۹۵، ص ۲۰-۲۱).

جمع‌بندی و پیشنهادها

در جمع‌بندی نهایی طبق نسخه اخیر لایحه ارتقای امنیت زنان، موازنه حقوق مادی و معنوی مدنظر قرار گرفت؛ زیرا با بازنگری در نسخه اولیه و تغییر واژه خشونت به «سوءرفتار»، علاوه بر آسیب‌های جسمی، به خسارات و زیان‌های معنوی هم توجه شد. درعین حال نتایج این پژوهش حاکی از آن است که باوجود نقاط مثبت این لایحه، ابهام واژه «سوءرفتار» موجب شده، برخی

از زیان‌های معنوی که ناشی از آزار روانی و اضطراب درونی زنان آسیب‌دیده است، شناسایی و جرم‌انگاری نشوند؛ مانند: شک و بدبینی و کنترل‌های غیرمتعارف زوج، خیانت و فساد اخلاقی زوج، محدودکردن خروج زوج از منزل، حبس خانگی زوج، منع از تحصیل و اشتغال زوج، کاهش توجه به زندگی مشترک ناشی از انواع اعتیاد، ترک بیتوته از جانب زوج، صدمه‌های روحی ناشی از بردگی و بهره‌کشی جنسی در جرائم قاچاق، ازدست‌دادن زیبایی بر اثر اسیدپاشی و لطمه به اعتقاد و ارزش‌های دینی و اخلاقی. علاوه‌براین با بررسی مصادیقی از سوءرفتار که در لایحه شمارش شده، به ارزیابی نواقص و کاستی‌های اقدامات حمایتی و پیشگیرانه که در حمایت از حقوق معنوی بانوان سنجیده شده است، پرداخته شد که در این خصوص پیشنهادهایی داده می‌شود:

۱. یکی از راهکارهای نظارتی، ایجاد پنجره واحد درخصوص ارگان‌های متولی است. برای تأثیر بیشتر و هماهنگی و همکاری بین این ارگان‌ها، باید وزارت کشور بر آن نظارت کند و نتایج رصد و پایش را در اختیار شورای پیشگیری از وقوع جرم قرار دهد.
۲. لازم است در فرآیند بررسی لایحه در کمیسیون اجتماعی مجلس، مصادیق ملی و منطقه‌ای ناشی از سوءرفتار آورده شود و راهبردهای متناسب با زیست‌بوم هر منطقه سنجیده شود.
۳. شایسته است حاکمیت، هیئت‌های زنان را در حفظ حقوق معنوی زنان تأسیس کند و آن‌ها را با مسئولیت‌هایی مانند مشاوره و آگاهی‌بخشی و پایش حقوق معنوی زنان بارگیری کند.
۴. ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد و حمایت از زنان می‌تواند در حفظ حقوق معنوی زنان نقشی مؤثر داشته باشد. این سازمان‌ها می‌توانند در جایگاه نمایندگان زنان، درخواست‌ها و نیازهای زنان را بیان، و در تدوین سیاست‌ها و قوانین مرتبط با حقوق معنوی زنان مشارکت کنند.

منابع

قرآن کریم.

آیت‌اللهی، زهرا (۱۳۹۱). شرح مختصر منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان. تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان، روابط عمومی.

اسدی، لیلا؛ شکری، فریده (۱۳۹۵). آیین دادرسی مدنی امور و دعاوی خانوادگی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

اشتری، بهناز (۱۳۸۰). قاچاق زنان بردگی معاصر. تهران: اندیشه برتر.
اصغری آقمشیدی، فخرالدین (۱۳۸۲). «جبران خسارت معنوی در حقوق ایران». پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، ۳ (۹ و ۱۰)، ص ۳۱-۴۸.

بهره‌مند، مهدی (۱۳۹۲). «عدم مشروعیت ضرر معنوی از دیدگاه قرآن و روایات». مطالعات قرآنی، ۴ (۱۶)، ص ۶۳-۷۵.

تهیه‌کننده اداره کل آموزش دادگستری جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۳). پرسش و پاسخ از کمیسیون استفتائات و مشاورین حقوقی شورای عالی قضایی. تهران: وزارت دادگستری.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ ق). وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
خمینی، روح‌الله (۱۳۹۹). تحریر الوسیلة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
خوئی، ابوالقاسم (۱۳۷۰). منهاج الصالحین. قم: مکتب آیت‌الله عظمی السید الخویی.
رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۲). قاچاق زنان در فقدان بایدها و نبایدها. مطالعات راهبردی زنان، ۵ (۱۹)، ص ۴۷-۱۱.

سیفی، آناهیتا؛ نامدار، سعید؛ گلدوزیان، ایرج (۱۴۰۰). «بررسی تأثیر لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت زنان در کاهش خشونت‌های اجتماعی و خانوادگی». خانواده درمانی کاربردی، ۲ (۲)، ص ۴۸۰-۴۹۵.

شیرازی زنجانی، موسی (بی‌تا). کتاب نکاح زنجانی. قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوبه شماره ۲۲۱۴، مورخ ۱۳۶۹/۷/۲۲.
علاء‌الدین، محمدرضا (۱۳۸۸). «شیوه‌های قرآن در درمان مشکلات عاطفی و جنسی زوجین در نهاد خانواده». فصلنامه قرآنی کوثر، ۸ (۳۳)، ص ۹-۲۳.

عیسی زاده، بشیر؛ محمدرزاده، مهدی؛ و حاجی‌علی‌خمس، مرتضی (۱۴۰۱). «نقد و بررسی لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت، از منظر اصول و قواعد قانونگذاری». پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۲۲ (۱۰۶)، ص ۴۴۱-۴۶۳.

فضل‌الله، محمد حسین (۱۳۸۳). زن و جستاری تازه. قم: بوستان کتاب.
قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵.

کریمی، محمدتقی؛ سجادی امین، مهدی (۱۳۸۹). «نقد و بررسی ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده (مصوب کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس)». مطالعات راهبردی زنان، ۱۲ (۴۸)، ص ۸۵-۱۳۲.

- کریمی‌نیا، محمدمهدی (۱۳۸۹). «جبران خسارت معنوی از نظر اسلام مسئولیت دولت‌ها در قبال خسارت‌های معنوی». فصلنامه معرفت، ۷ (۳۸)، ص ۹۹-۱۰۳.
- لائتسل، زینب (۱۳۸۴). «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و پیامدهای اجتماعی آن». مجله بانوان شیعه، ۲ (۳)، ص ۱۴۷-۱۷۶.
- محمدزاده، مهدی، بکشلو، رضا، عیسی‌زاده، بشیر (۱۴۰۰). «بررسی روح حاکم بر لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت». مطالعات راهبردی زنان، ۲۴ (۹۳)، ص ۲۹-۵۴.
- مرادزاده، حسن، رضوی، فهیمه سادات (۱۳۹۵). شیوه‌های جبران خسارت معنوی در زندگی مشترک زوجین. فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۲۱ (۶۴)، ص ۵-۳۰.
- مطهری، عباس (۱۳۸۷). خسارت معنوی در آرای قضایی در حقوق ایران و مصر. قم: دانشگاه مفید.
- منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، جلسه ۵۴۶، ۱۳۸۳/۶/۳۱.
- موسوی خوانساری، احمد (۱۴۰۵ ق). جامع المدارک فی شرح المختصر النافع. طهران: مکتبه الصدوق.
- مهدوی‌کنی، صدیقه (۱۳۹۲). «اصول حاکم بر روابط اعضای خانواده در نظام معرفتی اسلام». فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۱۸ (۵۸)، ص ۵-۳۲.
- میلانی، علیرضا (۱۴۰۰). «چالش‌های کیفی لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت». پژوهشنامه نوین فقهی حقوقی زنان و خانواده، ۴ (۱۵)، ص ۶۷-۹۱.
- نقیبی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). خسارت معنوی در حقوق ایران و نظام‌های معاصر. تهران: امیرکبیر.